

# سخنی با کاک هلمت احمدیان

## ناصر امین نژاد

رفیق گرامی چندی قبل "پاسخ کوتاهی"<sup>۱</sup> از شما به نقد ر. مینه حسامی از «برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردم در کردستان!» را ملاحظه کردم. بدنبال تکذیبیه ر. مینه، یاداشتی نیز از جانب شما دال بر تائید گفته‌های ایشان در عدم رای به «برنامه حاکمیت ....» منتشر شد. همچنین این روزها مطالب دیگری هم در حواشی همین موضوعات مطرح گردیده‌اند که هر کدام بجای خود قابل تامل هستند و جملگی فضای سالمی را میطلبند که بتوان به آنان پرداخت. زیرا تنها از این رهگذر است که میتوان نارسائیهای واقعی را دریافت، غبارها را زدود، گره‌ها را گشود، به مسائل روز جواب شایسته داد و به راهکارهای مؤثری در پیشبرد هرچه بیشتر امور سیاسی، فکری و تشکیلاتی دست یافت. اما مثل اینکه متاسفانه ما هنوز راه درازی را در پیش داریم تا پای در جاده این امر بدیهی بگذاریم!

دریغ این موضوعات بغایت مهم که میبایست پیشتر مجالی و امکانی برای طرح و ارائه بحث و کنکاش بر سر آنان فراهم میگردد، امروز در فضای دیگری که بخشا "آشفته" است به میان می‌آید. میرود که اینبار نیز همین موضوعات و سعی در یافتن راهکارهایی ضروری که برای ثمربخشی کار و فعالیت یک سازمان جدی در عمل اجتماعی و سیاسی‌اش در درون جامعه و برای انسجام درون تشکیلاتی و سازمانی‌اش حکم کلیدی و سرنوشت سازی را دارد در گردوخاک وارونه‌گوئی و انحراف اذهان گم شود و به وادی کشفیهای امنیتی و سعی عبث به پیدا کردن سرخ توطئه بیافتد!

اگر واقعیتش را بخواهید آن دهها سوالی که اکنون شما در ذهن خود پرورده کرده‌اید و در نوشته خود از آن یاد میکنید، به‌مراه سوالاتی که رفقای دیگر طرح کرده‌اند و کنه مطالبی که در اعلامیه فراکسیون آمده است، همگی برآمد نارسائیها، بن‌بست و گره‌های ناشی از آن است که هرازچندگاه ذهن باز میکند و علیرغم فرازها و فرودها و انشعابات پی‌درپی هنوز هم نقطه پایانی بر آن متصور نیست. اینها تماما سیل سوالات و ابهامات فروخورده‌ای هستند که در حیطه "مجاز و ممنوع"های بی‌ثمر تشکیلاتی روی دستها مانده‌اند و گاه به گاه انبوه‌وار - اینگونه که نباید باشد - سرریز میشوند. و اینهمه متاسفانه تا کنون حاصلی جز انباشتن تناقضات درونی و پرورش آن، همچنین ریزش، پراکندگی، جدائیها، ناامیدی و سرخوردگیها را در بر نداشته است.

باز هم اگر راستش را بخواهید این همه ناشی از روشها، منشها و نگاهی است که پیشینه بسیار قدیمی تری در خانواده "چپ"، بویژه در ایران دارد و رهبری حزب نیز اکنون بر بستر همین راهها و روشهای معمول شده، به مسائل درونی و بیرونی خود می‌نگرد که همچنان به چیزی جز افزایش تناقضات درونی و ناکامی در ایجاد وحدت فکری و انسجام تشکیلاتی نمی‌انجامد. تلاش برای تخطئه و پس‌راندن منتقدین آنهم با توسل به ابزارهای تشکیلاتی و قبضه کردن امکانات تبلیغاتی، همچنین محدود کردن هر روزه دایره خودیها، خودشیفتگی و عدم تحمل صدای مخالف و... گوشه‌هایی از آن رفتار و تلاشهای بی‌ثمری هستند که متاسفانه پیوسته در درون چپ ایران بویژه بازتولید شده‌اند و در تشکیلات ما نیز حضور داشته و اکنون نیز فعال‌مایه است و علیرغم اکراه و تبری‌جوئی درواقع خود بنوعی گرفتار آن است.

<sup>۱</sup> - نوشته رفیق هلمت احمدیان را میتوان در این آدرس بیابید: <http://www.rawij.com/farsi/PDF/pasox-helmet.pdf>

نباید شک کرد که مابه‌ازا و نتیجه‌کاری که امروزه‌ها عاید حزب شده است و هر چند وقت یکبار گریبان آنرا سفت میگیرد و از آن خلاصی ندارد زاده این روشهای سترون و ثمره آن شیوه‌های بی‌حاصلی است که با سماجت پیگیری میشوند. بر این بستر و از این نگاه سطحی است که هرگونه تلاشی برای تصحیح نارسائیه‌ها و پیدا کردن فونکسیون برای فهمیدن زبان همدیگر و یافتن سازوکارهایی راهگشا که بتواند وحدت فکری و انسجام تشکیلاتی را تقویت و نهادینه کند، اغلب با دیوار خشک انجماد و کوشش مضاعف برای تک صداکردن باز هم بیشتر حزب پاسخ میگیرد.

آری متاسفانه بیش از همه این سبک کار و شیوه‌های کار سازمانی تناقض برانگیز در حزب هستند که دست بالا را دارد و اتفاقا خود شما ابزاری در این دستگاه هستید که حیطة "مجازها و ممنوعها"ی حزبی را به‌فراخور حال خود و با مسئولیتی که در "جهان امروز" دارید، عینیت میبخشید. گفتنی است که یادآوری این مطلب به جهت سعی بی‌انصافانه‌ای است که شما در نوشته خود بکار برده‌اید تا این گوشه از کار که خود سرچشمه بخش وسیعی از نارسائیه‌ها در عرصه سیاسی و تشکیلاتی است به چشم نیاید. و اما اصل مطلب.

رفیق گرامی برخلاف آنچه که شما به تصویر کشانیده‌اید این برنامه هم از جنبه شکل‌گیری و پرداختن به آن، مسیر پر تناقض و بسیار غیر دموکراتیکی را طی کرده است و هم از نقطه نظر محتوایی و مضمونی نیز برنامه‌ای است نارسا و متناقض که نه بر پایه وضعیت موجود جامعه، وظایف و اولیتهای عینی آن قرار دارد و نه در تطبیق با رشد و تکامل مرحله مبارزاتی، تناسب و توازن قوای موجود و آرایش مبارزاتی و طبقاتی آن است. بلکه بیشتر بر پایه ذهنیات، درک گنگ از تحولات اجتماعی، وضعیت انقلابی و مبارزات جاری درون جامعه، همچنین سردرگمی در عدم درک واقعیتهای انکارناپذیر مسئله ملی و مبارزات حول و حوش آن در ایران بطور عام و جنبش ملی - دمکراتیک کردستان بویژه قرار دارد.

کاملا واضح است اگر برنامه‌ای بر پایه یک شناخت واقعی و عینی از درون جامعه و وجود جنبشهای عینی و فی‌الحال در آن و پیچیدگیهای روند رویدادها و افت‌وخیزهای مبارزاتی و طبقاتی آن استوار نباشد و خاصه اگر در خارج از دایره خرد جمعی و تنها با اتکا به ارده جمع بسیار اندکی از "هم‌خطها" پی‌ریزی شود، قطعا از همان ابتدای سرش به سنگ واقعیتهای سخت خواهد خورد و باید مسیر رفته را با "درافزوده گذاشتن و تصحیح‌های بی سروصدای مصاحبه‌ای اینجا و آنجائی"، با دوباره‌کاری و هرز نیروها و انرژیها از جای دیگر شروع کرد. درست عین همین سرنوشتی است که برنامه مذکور به آن گرفتار شده است و هنوز چشم انتظار "تغییرات" آتی است که برسر آن خواهد آمد و کسی هم از چند و چون آن خبر ندارد. و نتیجه همان میشود که شما از زبان گزارش سیاسی به‌کنگره اشاره میکنید، که جوهر مطلب اینچنین است: "اگر این نگرفت و آنگونه نشد که ما میگوئیم، بالاخره نظاره‌گر نخواهیم ماند و متناسب با آن موقعیتی که پیش می‌آید در مورد چند و چون کاری که باید انجام دهیم، تصمیم خواهیم گرفت". در واقع این همان نگاهی است که فکر میکند برنامه از آه نگرفته و از تخم شانس سرببر خواهد آورد و "ما نباید از حالا دستهای خودمان را رو بکنیم!" این نشدنی است، قطعا تندپیچها و شتاب رویدادهای پیچیده منتظر ما نخواهد ماند و مسلما ضررهای ناشی از این آزمایش و خطاها علی‌رغم میل و خواست باطنی و قلبی ما بر دوش چپ جامعه، انسجام سازمانی و تشکیلاتی آن سنگینی خواهد کرد و به پراکندگی و واماندنش در ایفای نقش موثر در جامعه، در سیر رویدادها و کمک به تعالی آن منجر خواهد شد.

بهر روی جای خود دارد که این برنامه هم از نظر متدولوژی پرداخته شده به آن و هم در کنکاش به جوهره‌اش مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد. و این تنها در گرو کار جمعی است. من نیز به سهم خود در ورای هیاو و هیجانان همچون گذشته سعی

خواهم کرد نکاتی از آنرا که ذهنم را گرفته است با جمع در میان بگذارم. اکنون تنها نگاهی خواهم داشت اجمالی و اندک به دو موضوع اصلی که پیشتر به آن اشاره کرده‌ام، یعنی چگونگی شکل گرفتن این برنامه و سپس نگاهی به درونمایه آن.

## ۱. چگونگی شکل گرفتن برنامه حاکمیت مردمی در کردستان.

کاک هلمت گرامی، متاسفانه این تصویری که شما از پروسه طرح تا "تصویب" آن برشمرده‌اید در مغایرت با آنچه که در واقع روی داده است، قرار دارد. ببینید، شما از تصویب کلیات طرح در کنگره دوازدهم صحبت میکنید. کدام کلیات، با کدام زیرمجموعه و سرفصلها؟ ضرورت آن از کجا حاصل شد؟ آیا "مردم"ی که بعنوان نماینده به کنگره رفتند، حتی پنج دقیقه قبل از کنگره روحشان از همچون کلیاتی و ضرورتی با خبر بود که بتوانند با تدقیق و پیش زمینه فکری آماده شده در مورد آن صحبت کنند و عاقبت الامر بتصویب برسند<sup>۲</sup>؟ آیا بعد از کنگره ضرورت و چهارچوب آن بطور یکدست و غیر متناقص با جمع در میان گذاشته شد؟ آیا بعداً نیز حزب و گزارش سیاسی کنگره به شکل شفاف و روشنی این کلیات را به افکار عمومی درون خود یا روی به بیرون ارائه داد تا در پرتو دخالت واقعی عمومی در حول و حوش آن و از زوایای مختلف بتوان به یک طرح گویای جامع رسید؟ آیا در مدت این دو سه ساله یکبار، تنها یک پاراگراف در نقد این برنامه و سخنان متناقضی که در حواشی آن ایراد میگرددید مثلاً در "جهان امروز" که شما سردبیرش هستید، پیشرو یا رادیو و تلویزیون که رفقای دیگر برعهده دارند اجازه طرح پیدا کرد؟ جواب اینها، همه منفی است. ببینید رفیق عزیز این صورت مسئله‌ای که شما ارائه داده‌اید از اساس در جای واقعی خود قرار ندارد، حتی موضوع خود این طرح و بالا و پائین بودن مضمونی آن نیست، اگر صرفاً این میبود، میتوانست در طی یک پروسه و با دخالت همگان و طرح شفاف و آزادانه آن در بدنه و در جامعه آنرا به جایی رساند. مشکل اصلی و گره کار این تشکیلات از فی البداهه بودن این موضوعات است، از اراده و فردیت مطلق است که کل همه این موضوعات در سایه آن قرار دارد. در گردشهای زبانی و چرخشهای قلمی است که بدون ارائه هیچ پیشینه‌ای و استدلالی یکدفعه و فی البداهه به میان می‌آید و همه را زیر سایه سنگین خود قرار میدهد. واقعیت امر آنست که این نوع برخورد به مسائل گرهی و این شیوه و سبک کار تشکیلاتی مداوماً عمل کرده است و اساس کار نیز بر همین منوال به پیش برده میشود، و بدینگونه است که حتی کنگره و سمینارها نیز بسوی روتینی و بی‌خاصیتی کشانده شده‌اند<sup>۳</sup>.

"طرح حاکمیت مردمی در کردستان" را نیز باید بر بستر همین تبیین یکسویه نگرانه و روتین خواهی دید و مشکلاتی که گریبان آنرا گرفته است از همین زاویه قابل ارزیابی هستند. نمیتوان از نظر دور داشت و فراموش کرد که ارائه طرحی متناسب با وضعیت مبارزات جاری در کردستان و ضرورت "فورمولبندی" خواستها و اولویتهای آن از پیشینه بیشتری برخوردار است، اما اکثریت رهبری در زیر سایه و نفوذ همین سبک و روشهای بی‌فرجام هر بار و در هر کنگره‌ای بنوعی از آن سرباز زده است و سیاست از این کنگره تا کنگره‌ای دیگر در پیش گرفته شده است. طرح ناروشن، عاجل و فی البداهه‌ای "حاکمیت مردمی..." نیز با آن صورت و مضمونی که دارد، با آن کشدار کردنهایی که هنوز ادامه دارد و افق روشنی برای ختم آن در منظر نیست، ادامه همان طفره رفتن از پاسخی کنکرت و طرحی زمینی و عینی به سؤالات و اولویتهای معین و کنکرت روز است.

<sup>۲</sup> - برای حذر از دوباره گوئی، علاقه‌مندان را به نوشته "نگاهی به برنامه حاکمیت مردمی در کردستان" <http://www.rawij.com/farsi/PDF/hakmyet-kordstan.pdf> جلب میکنم.

<sup>۳</sup> - در ادامه این بحث و برای بازشدن بیشتر مطلب مروری به نوشته "کنگره بخاطر کنگره" <http://www.rawij.com/farsi/PDF/kongre.pdf>. خالی از فایده نخواهد بود، که مفصل تر به این مطلب پرداخته است.

گفتمانهای بغایت متضاد بعد از گویا تصویب کلیات طرح ازسوی تهیه‌کنندگان اصلی آن، کشدارکردنش، کوشش در سرهم بندی کردن "سمینارهای" روتینی یکطرفه، عدم اجازه به طرح نقطه‌نظرات منتقدانه در رسانه‌های حزبی، نارسایها، تناقضات و افت مضمونی طرح و .... خود نشان از عدم جدیت و باورمندی به خود این برنامه دارد و شائبه این استدلال ناگفته را تقویت میکند که بگذار این باشد و ببینیم در آینده چه پیش می‌آید. والا این چه معمائی است که طرحی اینچنینی بعد از گذراندن از تصویب دو کنگره و چندین بار تصویب کمیته مرکزی هنوز قرار است در آیندها با "تغییراتی لازم" منتشر شود!<sup>۴</sup> و کسی هم نمیداند که آن تغییرات لازم چه هستند و چه مباحثاتی در درون کمیته مرکزی بر سر آن به پیش‌رفته است و چرا لازم شده است که تغییر بیاند و اشکال کار در کجا بوده است و بالاخره چه هنگام ما با یک پلاتفرم که بتوان بر روی آن حرف زد و تمرکز کرد روبرو خواهیم شد و جامعه و افکار عمومی نیز آنرا خواهند دید.

رفیق گرامی از این استنتاج گریزی نمیتوان داشت که همه اینها راهی است برای پنهان ساختن عدم شفافیت خود و برای گریز از پاسخی مشخص به وضعیتی مشخص، و شاه‌کلید "تغییرات لازم" که در موارد مختلف با آن روبرو بوده‌ایم و هستیم و خواهیم بود در خدمت این گریز و دوپهلویی و پیدا کردن فضا و میدانی برای مانور قرار دارد. تا هم بتوان عدم شفافیت خود و تناقض گوئی در ارائه مطالب مطروحه را بنوعی سرهم بندی کرد، و هم منتقدین را با چوب به "فال نیک نگرفتن این طرح" پس زد، که گویا از هیچی بهتر است. و عجیبتر آنکه نقد "برنامه حاکمیت مردمی..." به مخالفت با استراتژی سوسیالیستی تعبیر و تبلیغ میشود، درحالی که خود آنرا به دست تغییرات آتی سپرده‌اند، گو اینکه تنها خودیها شرعیتی برای بیان چند و چون لزوم این تغییرات را دارند! ....

ادامه دارد

۰۸.۱۱.۲۰۰۸

---

<sup>۴</sup> - این برنامه با اکثریت قریب به اتفاق آرا نمایندگان مورد تصویب قرار گرفت. قرار بر این شد که با توجه به مباحثات تاکنونی کمیته مرکزی کومه‌له تغییرات لازم را در متن این سند وارد و آنرا مجدداً منتشر نماید. (برگرفته از: اطلاعیه پایانی کنگره سیزدهم کومه‌له)